

تجربه صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی در زمینه مشارکت مردمی

نوشته: Pierre spitz

مترجم: احمد بالان

World Bank Discussion Papers

● کاربرد واژه مشارکت در ایفاد

طی سالیان متمادی، واژه مشارکت^۱ به یک واژه محوری در خط مشی صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (ایفاد)^۱ تبدیل شده است. از آنجا که مشارکت به عنوان یک ایده، عاری از ابهام نیست، جای تعجبی ندارد اگر در نوشته‌ها و روبره‌های ایفاد، به صورت صریح یا تلویحی، با معانی متفاوتی استفاده شده است. در پایین‌ترین سطح، مشارکت به معنای "شرکت در یک فعالیت" به کار گرفته شده است. طبق این تعریف گسترده هرگاه کسی در فعالیتی شرکت داشته باشد که تماماً یا بخشی از آن از وجود یک طرح توسعه ناشی شود، می‌گویند که در آن طرح "مشارکت" دارد. بیان این که شخصی در پروژه‌ای مشارکت دارد، دارای یک بار معنایی مثبت

است. از این رو، در مباحث مربوط به مشارکت، در پایین‌ترین سطح اهمیت آن، پیچیدگی معنایی خاصی وجود دارد: افراد "ذینفع" در یک پروژه توسعه، طبق تعریف "مشارکت" می‌کنند. و با دریافت نوعی اجر و پاداش در قبال آن، می‌توان گفت که در منافع حاصل شریک می‌شوند.

چه در سیاستها و ضوابط "وام‌دهی" نوشته شده در سال ۱۹۸۷، و چه در اولین گزارش دو سالانه ایفاد (۱۹۷۸ و ۱۹۷۹) ذکری از واژه مشارکت به بیان نیامده است. اما در گزارش سالانه ۱۹۸۰، بندهای زیادی به مشارکت اختصاص داده شده است. در نوشتار حاضر، این واژه به صورتهای متعدد به کار رفته است، یکی از این کاربردها که مشابه معنای فوق‌الذکر است، به "چارچوب نهادی برای مشارکت گروه هدف در فعالیتهای توسعه و منافی که قرار است از آن پروژه تولید شود اشاره می‌کند. این تعریف، نه مبین هیچ‌گونه تسهیم خاص یا کم و بیش

عادلانه منافع است و نه بدین معنی است که افراد ذینفع در طراحی پروژه یا در روند تصمیم‌گیری، در خلال اجرای آن مشارکت داشته باشند. در هر حال، براحتی می‌توان درک کرد که چرا ایفاد کاربرد واژه مشارکت را با چنین مفهوم گسترده‌ای آغاز کرد.

در واقع، در اواسط دهه ۱۹۷۰ روز به روز آشکارتر گردید که بسیاری از طرحهای توسعه روستایی نه تنها به نفع تهیدستان نبوده، بلکه برخی از پروژه‌ها حتی تأثیر منفی بر توزیع درآمد نیز داشته‌اند. تا حد زیادی در پاسخ به چنین وضعیتی بود که ایفاد پی‌ریزی شد. لزوم بهبود وضعیت غذایی فقیرترین طبقات جمعیت در کشورهای در حال توسعه و شرایط زندگی آنها از جمله تعهدات این صندوق است که در کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ شکل گرفت. ضوابط پروژه که در سال ۱۹۷۸ تنظیم شد، جمله زیر را در برمی‌گیرد: "این صندوق طبیعتاً پروژه‌ها و طرحهای، را که تأثیر کلی آنها بر توزیع درآمد منفی است، تأمین مالی نمی‌کند. تلاش برای رسیدگی به تهیدستان روستایی، به ارمغان آوردن منافی برای آنها و اجتناب از خرابتر شدن اوضاع اقتصادی آنها در مقام مقایسه با سایر گروهها، اهدافی بودند که قبل از اوایل دهه ۱۹۷۰ بندرت مورد تأکید قرار می‌گرفتند. هیچ کدام از این اهداف

در نهادی که مشخصاً برای این منظور ایجاد شده باشد، هرگز بطور سیستماتیک مورد توجه قرار نگرفتند.

از آنجا که ایفاد در خلال این سالهای اولیه نیاز داشت تأکید کند که طرحهای توسعه آن نه تنها تهیدستان روستایی را نادیده نمی‌گیرند، بلکه برعکس، آنها را اهداف خاص خود قرار می‌دهند، طبیعی بود که اعلام کند تهیدستان در این طرحها و منافع مورد انتظار آنها "مشارکت" دارند.

اینک که ضوابط ایفاد بخوبی تثبیت شده‌اند، چنین کاربرد گسترده‌ای از این واژه، سایر کاربردهای مهمتر را تضعیف می‌کند. با این وجود به کار بردن این معنای وسیع درباره زنان، بنا به همان دلیل کلی که در بالا مطرح شد، شاید هنوز وسوسه‌انگیز باشد. طرحهای توسعه روستایی، در اکثر موارد، زنان را نادیده گرفته‌اند و در بسیاری موارد، به فرسودن وضعیت اقتصادی یا موقعیت اجتماعی تهیدست‌ترین زنان، بویژه زنان رئیس خانواده، ادامه داده‌اند. ایفاد می‌کوشد این وضعیت را بهبود بخشد و زنان را در پروژه‌هایی که آنان را ذی‌نفع می‌سازد، مشارکت دهد.

گزارش سالانه ۱۹۸۰ ایفاد از "هدف افزایش مشارکت زنان در توسعه روستایی از راه منظورکردن اجزاء و عناصری در طرحها که مورد علاقه خاص زنان روستایی است، و در برخی موارد، از طریق طرح‌ریزی پروژه‌های فرعی نقش زنان روستایی" صحبت به میان آورده است. این نوشته زنانی را که پروژه‌های فرعی برای آنها طرح‌ریزی شده است مورد اشاره قرار می‌دهد بدون این که ذکر کند آیا زنان در طراحی پروژه دخالت می‌کنند یا حتی مورد مشاوره قرار می‌گیرند یا خیر. برای اصلاح رهیافت ایفاد در زمینه مشارکت، به اصول و قواعد محکمتری برای کاربرد واژه و تعریف رویه‌ها نیاز است.

برای اجتناب از این گونه ابهامات در معنا، تمامی صور واژه "مشارکت" باید فقط برای مشخص کردن این نکته به کار گرفته شوند که آیا گروه ذی‌نفع مورد نظر، در خلال طراحی پروژه، مورد مشاوره قرار گرفته‌اند تا نیازهای محسوس، علائق و تواناییهای

دارند که در پروژه‌های تحت اجرای تشکیلات و دولتهای همکار ایفاد، که بشدت سلسله مراتبی هستند، جایی برای مشارکت واقعی نمی‌بینند این نگرشهای افراطی و نهیلیستی (مهمل‌گرایی) نتیجه واحد دربردارند و آن، محدودکردن مشارکت به معدودی افراد راضی و خرسند، در سرزمینهایی است که از نظر اجتماعی، بکر و دست نخورده‌اند. نهادهایی نظیر، ایفاد، بهتر است برای هر پروژه و طرح، یک رهیافت اعتدالی در نظر بگیرند و بتدریج به سوی درجات بالاتری از مشارکت حرکت کنند.

مشورت با مردم در زمینه نیازها و علائق آنها

● یک رهیافت مشارکتی مبتنی بر اعتدال

بهترین دلیل برای یک رهیافت مشارکتی مبتنی بر اعتدال، یک دلیل عملی است نه فلسفی، ایدئولوژیکی و یا سیاسی. برای اجتناب از یک شکست کلی، در طرح‌ریزی پروژه باید نیازها و علائق، استعدادها و اشتیاق افراد ذی‌نفع مورد توجه قرار گیرد. بنابراین، مردم باید مورد مشورت قرار گیرند. این ضرورت حداقل سطح یک رهیافت مشارکتی را تشکیل می‌دهد که در تمامی طرحهای توسعه باید رعایت شود. این کار باعث می‌شود که پروژه‌ها، مطابق بافت فرهنگی و سیاسی شکل گیرند و ارزیابی تفاوت‌های موجود در زمینه برداشتها، ارزشها و نگرشهای افراد مختلفی که به عنوان طراح پروژه، آژانسهای دولتی، سازمانهای غیردولتی، گروههای هدف ایفاد و مؤسسات مالی نظیر بانک جهانی و بانک توسعه آسیا، در طراحی و اجرای پروژه دخالت دارند، با سهولت بیشتری صورت گیرد. برخی از این گروهها ممکن است عقاید متضادی درباره اهداف پروژه یا بهترین راههای دستیابی به آنها داشته باشند. همیشه یک بعد فرهنگی در مورد این تفاوتها وجود دارد که به ارزشهای وابسته به متغیرهای اقتصادی (نظیر روابط بین مصرف و سرمایه‌گذاری یا گرایش به سوی پس انداز)، متغیرهای اجتماعی (مانند روابط میان و درون طبقات اجتماعی یا رابطه بین جنس و سن) و متغیرهای زیست محیطی (روابط بین گروههای اجتماعی مختلف و محیط زیست آنها که اغلب تحت تأثیر یا نفوذ عقاید مذهبی است و نگرش نسبت به نوسانات جوی و خطرات آب و هوایی) بستگی

آنها مورد توجه قرار گیرد.

مشاوره در این زمینه‌ها، نخستین گام یک رهیافت مشارکتی است؛ یک فرآیند دموکراتیک که در آن مردم بویژه طبقات ضعیف و تهیدست، صرفاً دریافت کنندگان یک طرح توسعه در انتهای یک رهیافت از بالا به پایین نیستند، بلکه از آنها خواسته شده است که نیازهای خود را مشخص و درخواستهایشان را اعلام کنند و خود را برای ارتقای سطح زندگی به کمک منابع مالی، تکنیکی و انسانی که از طرف طرح توسعه ارائه شده است، متشکل سازند.

● مقدمه: رهیافتی شخصی در زمینه مشارکت

قبل از پرداختن به نقش ایفاد در ترویج مشارکت مردمی و پاسخ به تعدادی از ۱۱ پرسش مطرح شده، مایلم نظرات شخصی خود را در این باره ارائه دهم که چه چیزی می‌تواند یا باید یک رهیافت مشارکتی در پروژه‌های ایفاد باشد. پنج سال پیش، ایفاد در مورد امکان تهیه یک راهنمای صحرائی در زمینه توسعه روستایی مشارکتی، برای طراحان و مدیران پروژه‌ها به تحقیق پرداخت.

راهنمای پیشنهادی به تفصیل نوشته شد، مورد بحث قرار گرفت، بازبینی گردید و مجدداً مورد بحث قرار گرفت اما هرگز روشنایی روز را به خود ندید. هیچ تصمیم روشنی برای کنارگذاشتن این طرح وجود نداشت، بلکه صرفاً به خاطر نبود پشتوانه‌ای قوی، متوقف شد. با تکیه بر قدرت ادراک، شاید بتوان گفت که این طرح، احتمالاً به دلیل بلندپروازی و داشتن اهداف افراطی، مورد قبول قرار نگرفت، زیرا در آن، شرایط عیدیه‌ای برای مشارکت واقعی برشمرده شده بود (از دولتهای خیر و نیکوکار گرفته تا مروجهای کاملاً متعهد). در این سند ۵۰ صفحه‌ای، بقدری راهنماییهای مبسوط ارائه شده بود که هر طراح یا مدیر پروژه، پس از خواندن چند صفحه، احتمالاً از آن دلسرده می‌شد. برخی استدلال‌گران قدرتمند این گونه رهیافتهای افراطی، مشارکت را در بهشت جستجو می‌کنند نه بر روی زمین برخی دیگر، درباره آرمانهای مشارکت چنان احساسات شدیدی

دارد. رهیافت مشارکت بدین معنا نیست که طرحهای پروژه باید تمامی نظرات افراد ذی‌نفع را بپذیرد، بلکه بدین معناست که اختلاف عقاید باید مطرح شود و مورد بحث قرار گیرد و چنانچه در پایان این روند، توافق حاصل نشود، در حالی که تمامی طرفهای ذی‌نفع از قضایا آگاهی کامل دارند، تصمیمهای لازم اتخاذ گردد.

در پاره‌ای موارد، اختلاف میان برداشتها، ارزشها و نگرشها، کاملاً آشکار است؛ مانند اختلاف میان کارشناسان خارجی و افراد محلی یا بین اقلیتهای قومی و یک طبقه اجتماعی حاکم. با این وجود، پاره‌ای از این اختلافات اغلب ماهیتی ظریف دارند و به ریشه شهری یا روستایی و یا به زمینهٔ تحصیلی و حرفه‌ای برمی‌گردند. کارگزاران امور اجتماعی، گروهها یا افراد نیز غالباً علائق متفاوت و متضادی دارند که به شکل‌گیری برداشت آنها از آنچه که برای خودشان، یا برای دیگران مطلوب است، کمک می‌کند.

بنابراین، در مرحلهٔ طرح‌ریزی پروژه، لازم است بهترین ارزیابی ممکن از تضادهایی که پروژه می‌تواند برانگیزد و اجرای آن را دچار مخاطره سازد، صورت گیرد هنگامی که پروژه آغاز شد، ادراکات، ارزشها و نگرشها ممکن است به طریقی غیرقابل پیش‌بینی تغییر کند. در کنترل و ارزیابیهای ادواری، این گونه تغییرات باید مورد بیشترین توجه قرار گیرند. در هر یک از پروژه‌های ایفاد، نیازها و علائق افراد ذی‌نفع، بایستی نه تنها قبل از اجرای طرح، بلکه در خلال اجرای آن نیز مورد شناسایی قرار گیرد.

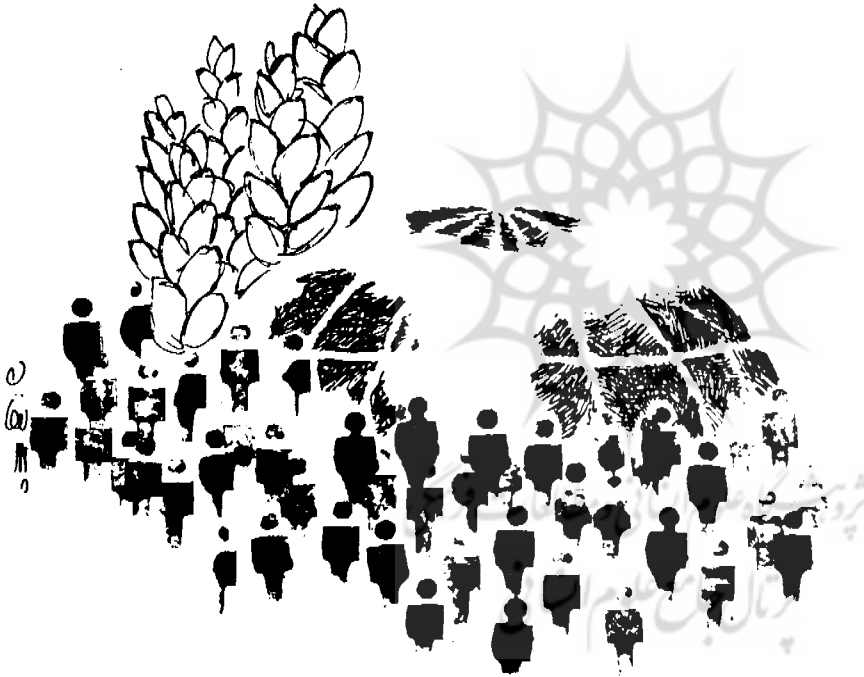
● انتخاب افراد مطلع برای طراحی پروژه

از آنجا که با تک تک افراد ذی‌نفع نمی‌توان مصاحبه کرد، روند مشاوره بر افرادی متکی است که از طرف مدیر پروژه به عنوان نماینده طبقات اجتماعی - اقتصادی مربوط انتخاب می‌شوند. انتخاب تصادفی^۱ هم فقط در صورتی امکان پذیر است که کلیه خانوارها فیلاً فهرست برداری و مشخص شده باشند. از آنجا که چنین وضعیتی بندرت پیش می‌آید، نحوه انتخاب خانوارها یا افراد، برحسب تصادف، غالباً عاری از جهت‌گیری و غرض‌ورزی نیست. معمولاً مردها بیش از زنها و مردمی که نزدیک جاده زندگی می‌کنند بیش از آنهایی که دور

هستند، مورد مصاحبه قرار می‌گیرند. بسته به زمان‌بندی مصاحبه‌ها، با توجه به تقویم کشاورزی و ساعات روز، برخی از طبقات اجتماعی در بین کسانی که مایل به صحبت هستند و وقت و انگیزهٔ این کار را هم دارند، بیشتر یا کمتر از دیگران انتخاب می‌شوند. در یک ناحیهٔ روستایی، افراد بیگانه سرعت شناسایی و مورد توجه شدید قرار می‌گیرند. روستاییان که در مسند قدرت هستند تمایل و آفری به دانستن این نکته دارند که افراد تازه وارد نشانهٔ خطر هستند یا فرصت. روابط نزدیک این روستاییان با

طرحها از نادیده گرفتن همین احتیاطهای اولیه در برخورد با جوامعی ناشی می‌شود که از یک‌نواختی فاصلهٔ زیادی دارند.

به هر حال، این احتیاطها برای یک پروژه ایفاد، که هدفش بهره‌مند ساختن تهیدست‌ترین اعضای یک جامعه از طریق یک رهیافت مشارکتی است، بیشترین اهمیت را دارد. به دلیل عدم انجام یک بررسی اجتماعی - اقتصادی و نیز عدم مطالعهٔ سیستماتیک در باب نحوه نگرش و بینش مردم، به کارگیری یک کارشناس امور اقتصادی اجتماعی،



جامعه‌شناس، مردم شناس که با بافت اجتماعی - فرهنگی بومی بخوبی آشنا باشد و بتواند از طریق روشهای تثبیت شدهٔ مطالعات امکان‌یابی اجتماعی، نیازها برداشتها و علایق گروههای هدف ایفاد و همین‌طور محدودیتها و موانع اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی را شناسایی کند، در یک هیئت شناسایی^۲ بسیار مفید خواهد بود. آنچه بیش از سابقهٔ علمی اعضای هیئت حائز اهمیت می‌نماید، دید باز آنها

مقامات محلی^۳، به آنها امتیاز دسترسی به اطلاعات را می‌دهد. آنها همچنین قادرند اطلاع رسانی^۴ بالقوه را تحت نفوذ خود درآورند. در یک طرح توسعهٔ متعارف که دارای هدفی جهان شمول است (مانند افزایش تولیدات کشاورزی)، برنامه ریزان بدون بذل توجه خاص به جنبه‌های توزیعی^۵ و مساوات^۶، غالباً لزوم اطمینان دهی به نخبگان بومی را بی‌اهمیت می‌شمارند. بسیاری از شکستهای این‌گونه

نسبت به مجموعه متفاوتی از ارزشها و قوانین رفتاری، احترام آنها نسبت به جامعه‌ای که به خودشان تعلق ندارد، دیدگاه فلسفی آنها، اشتیاقشان به شناسایی پیوندهای میان عوامل فنی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و زیست محیطی است.

برخورداری از تجربه و دانش قابل ملاحظه درباره شرایط اجتماعی - فرهنگی بومی نیز مورد نیاز است تا بتوان طراحی پروژه و نتایج مباحث جمعی غیررسمی با افراد ذی‌نفع در خلال اجرای طرح را تجزیه و تحلیل کرد. در این راستا، قوانین اجتماعی حاکم بر جنس، سن و موقعیت اجتماعی، اهمیت فراوانی دارند از این رو، لازم است به کمک یک جامعه‌شناس یا مردم‌شناس ترجیحاً بومی، اطلاعات لازم در این زمینه‌ها به آگاهی کارکنان طرح رسانده شوند. پاره‌ای از تضادهای پنهانی، مثلاً میان گروه‌های قومی مختلف^۱، بین ساکنان اصلی و تازه وارد، میان کشاورزان و مرتع داران و زمین داران و کارگران کشاورزی، براحتمی قابل شناسایی است.

پاره‌ای دیگر از تضادها، مستلزم شناخت عمیقتری از جامعه بومی هستند و فقط در خلال اجرای طرح امکان بروز پیدا می‌کنند. در مرحله قبل از اجرای طرح، مباحث جمعی ممکن است تضادها را به واسطه توافق ضمنی که از قبل به عمل آمده، آشکار نکنند؛ شاید مردم میل نداشته باشند تضادهای خود را نزد بیگانگان مطرح سازند تا مبادا همزیستی اجتماعی آنها دچار مخاطره شود.

فردی که مسئولیت بررسیهای اجتماعی فرهنگی را در هیئت به عهده می‌گیرد باید دقت کافی در اختیار داشته باشد تا کلیه فرآیندهای اجتماعی مربوط را که در ناحیه اجرای طرح رخ می‌دهد، ثبت کند. هیچ‌گونه تعریف مشخصی برای عبارت "وقت کافی" وجود ندارد. زمان مورد نیاز، به آگاهیهای قبلی فرد مسئول در مورد ناحیه و پیچیدگی مسایل بستگی دارد. بهترین حالت این است که یک کارشناس علوم اجتماعی که با منطقه بخوبی آشنا است، ترجیحاً همراه با یک گروه کوچک، چند هفته‌ای را قبل از شروع مأموریت در ناحیه بگذراند. باید تلاش لازم صورت گیرد تا یک گروه دانشگاهی (شامل استاد و دانشجو) یا یک گروه تحقیقاتی در

ناحیه شناسایی شود که بتواند با یک سازمان بومی غیردولتی واجد شرایط، ارتباط برقرار کند. این گروه می‌تواند به شکل گیری طرح کمک کند و هراز چند گاه یک بار برای پیگیری اجرای آن دعوت شود. این برنامه‌ریزی به طرح کمک می‌کند تا از جامعه علمی بومی بهره‌مند شود و در عین حال، به جامعه علمی نیز امکان می‌دهد از همکاری با یک طرح توسعه زنده و پویا که لزوماً منعکس‌کننده مطالب کتب درسی اصول اقتصادی توسعه نیست، بهره‌مند شود پس از آن که این کار مقدماتی توسط گروه محلی انجام شد، کارشناس علوم اجتماعی طرح باید، به جای صرف وقت در وزارتخانه‌ها، به کار صحرایی بپردازد. حتی اگر این کار بدان معنی باشد که اعضای هیئت نتواند هر روز یکدیگر را ملاقات کنند. غالباً مشاهده می‌شود که ورود یک گروه از مقامات رسمی همراه هیئت به نواحی روستایی سبب می‌شود که روند تسهیل درک واقعیت‌های اجتماعی دچار وقفه شود. بنابراین لازم است قبل از ورود گروه اصلی طرح، یک ارزیابی اجتماعی - اقتصادی سریع صورت گیرد.

● گزینش سازمانهای روستایی "سنّتی"

در سطحی گسترده‌تر، رهیافت مشارکت می‌کوشد، انواع سازمانهای اجتماعی بومی موجود را که می‌توانند مسئولیتی در طراحی و اجرای پروژه برعهده بگیرند، شناسایی کند. جامعه‌شناس، مردم‌شناس یا جامعه‌شناس اقتصادی طرح، این مأموریت حساس را برعهده دارد که مشخص کند سازمانهای موجود تا چه اندازه می‌توانند به گروه هدف در اعلام نیازهای خود، ارائه پیشنهاد و پذیرش مسئولیت در اجرای طرح، کمک کنند. برخی از سازمانها دارای ریشه‌های کهن هستند که برای سهولت کار می‌توان آنها را "سازمانهای سنّتی" نامید. بعداً برخی دیگر از سازمانها، مانند سازمان یا تعاونی کشاورزان به اشکال سازمانی یا گروه‌های مدرنتر برمی‌گردد. در هر حال، برای نیل به اهداف طرح، شاید لازم باشد گروه‌های جدیدی را که به شیوه خاصی شکل گرفته‌اند تشویق کرد. مشارکت اغلب فقط در قالب "تشکیل گروه" درک می‌شود، اگرچه

ممکن است بدون آن هم صورت گیرد. برعکس، شکل‌گیری گروه لزوماً مبین مشارکت نیست. برای مثال، گروه‌های اعتبار فقط مادامی که اعتبار در دسترس است موجودیت دارند و در ضوابط و شرایط تحویل اعتبار دخالتی ندارند.

در بسیاری از روستاها، بویژه در آفریقا، هنوز هم اجتماعات سنتی دارای ویژگی نظام‌های اجتماعی درهم تنیده‌ای از قبایل، دودمانها و خانواده‌های گسترده وجود دارد. رؤسای بومی افرادی هستند قدرتمند که مردم تهیدست وابستگی زیادی به آنها دارند. آیا این رؤسا از طرحی که مشخصاً برای مردم فقیرتر طراحی شده است حمایت می‌کنند؟ پشتیبانی، راهنمایی و مساعدت از سوی نخبگان محلی غالباً بسیار حائز اهمیت است. در بسیاری موارد، رؤسا و ریش‌سفیدان محلی آماده‌اند فعالیت‌های طرح برای گروه‌های تهیدست را حمایت کنند و همچنین خدمات و تسهیلات لازم را به این گروه‌ها ارائه دهند. در هر صورت، این نظام‌های به اصطلاح "سنّتی" را نباید "ایستا" تلقی کرد؟ آنها می‌توانند در نتیجه نیروهای اجتماعی وارده و تضادهایی که این نیروها پدید می‌آورند، تغییر کنند.

برای کسب حمایت رهبران سنتی و اداری محلی و سایر عوامل با نفوذ در ناحیه اجرای پروژه، ابتدا باید این رهبران را از طریق تشکیل جلسات، کارگاه‌های ابتکاری و سایر اقداماتی که از سوی طراحان پروژه صورت می‌گیرد، نسبت به رهیافت مشارکت حساس و علاقمند کرد. رهبران را باید متقاعد ساخت که پشتیبانی از طرحی که هدفش تهیدستان روستایی است، در کوتاه‌مدت و دراز مدت به نفع خودشان است و این که ساکنان مرفه، منافع اقتصادی و اجتماعی نیز برای آنها ایجاد می‌کنند. تلاش برای علاقه‌مند کردن رهبران باید در سطح ناحیه صورت گیرد تا گروه‌های غیر هدف نتوانند بسادگی با توجه خاص طرح با گروه‌های هدف مخالفت کنند.

● گزینش سازمانها یا تعاونیهای کشاورزان

سازمانهای موجود کشاورزان مانند تعاونیها، سازمانهای کارگران روستایی و اتحادیه‌های تجاری باید با توجه به هدف ایفاد که کاهش فقر روستایی است، مورد گزینش قرار داد. آیا این سازمانها به واقع

نماینده گروههای هدف هستند؟ در صورتی که یک سازمان ملی کشاورزی در اهداف و فعالیتهای خود مشخصاً یک طبقه اجتماعی را مورد توجه و رسیدگی قرار ندهد، منافع گروههای هدف آنچنان که باید و شاید مطرح نمی‌گردد.

اکنون که سازمانهای ملی کشاورزی واژه مشارکت را بیش از پیش مورد استفاده قرار می‌دهند تا مشروعیت خود را نزد حامیان بالقوه افزایش دهند، پی بردن به نکته مهم که آیا ادعاهای آنان واقعی است یا این که صرفاً زبان جدیدی را برای پوشاندن شیوه‌های گذشته خود مورد استفاده قرار می‌دهند اهمیت حیاتی دارد. در اکثر موارد، به نام افزایش مشارکت کشاورزان، کشاورزان بزرگ قسمت اعظم منافع را به ضرر زارعین خرده پا و کارگران کشاورزی، به خود اختصاص می‌دهند. گاهی اوقات نیز کشاورزان بزرگ برای این منظور خود را زارع خرده پا می‌نامند. در زمینه اصلاحات ارضی و حقوق کشاورزی آشکارا تضاد منافع وجود دارد. افزایش سوبسید نهاده‌های^{۱۱} کشاورزی یا قیمتهای تولید کننده^{۱۲}، اساساً کشاورزان کلان را بهره‌مند می‌کند. به علاوه، نباید فراموش کرد که گروههای هدف ایفاد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از افزایش قیمتهای مواد غذایی آسیب می‌بینند، زیرا آنها مواد غذایی را فقط خریداری می‌کنند. چون یا زمینهایشان بقدری کوچک است که برای مصرف آنها محصول کافی تولید نمی‌کند، یا این که بی‌زمین هستند و اصلاً تولیدی ندارند. ضوابط مبادله میان غلات و دام یا محصولات شیلاتی تا حد زیادی تحت سلطه توان معامله‌گری تولید کنندگان قرار دارد، که اغلب به سود تولید کنندگان غلات است که از نظر سیاسی قویتر هستند. تلاش برای شناسایی سازمانهایی کشاورزی، که در سطح ملی، عملاً و قدرتمندانه از منافع تهیدستان روستایی دفاع می‌کنند، غالباً بیهوده است. اما در سطح زیرملی یا محلی، تعداد زیادی از این سازمانها وجود دارند که می‌توانند نقش مثبت در طرحهای ایفاد اجرا نمایند. این امر در مورد تعاونیها هم مصداق دارد. گذشته نهضت تعاونی متأسفانه این طور نشان می‌دهد که شعارهای عدالت اجتماعی^{۱۳} و همبستگی^{۱۴} غالباً در ساختارهای بزرگ تعاونی که تحت سلطه نخبگان قرار دارند، فریبی بیش نبوده است. بدست گرفتن کنترل تعاونیها، بویژه تعاونیهای اعتبار برای گروههای قدرتمند در مناطق

روستایی، کار نسبتاً آسانی است.

برای مشارکت این گونه سازمانهای تثبیت شده به همراه ادارات و کارکنانشان در طرحهای ایفاد، باید بسیار محتاطانه عمل کرد. رهیافت مشارکتی ایجاد می‌کند که برای تضمین منافع گروههای هدف ایفاد و این که فقط آنها بهره‌برداران اصلی طرح مورد نظر باشند، پیش بینی شود.

● گزینش سایر سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی انواع گروهها - کوچک و بزرگ، ملی و بین‌المللی - را شامل می‌شوند. این سازمانها متنوع‌ترین اهداف را دارند. ویژگی منفی آنها این است که مقوله مشخصی را از لحاظ عملکرد دنبال نمی‌کنند. این ویژگی منفی خود قابل بحث است زیرا برخی از سازمانهای ملی کشاورزان یا اتحادیه‌های تعاونی فی الواقع مؤسسات نیمه دولتی هستند.

در عمل، شناسایی سازمانهای غیردولتی در ناحیه طرح که اهداف مشترکی با طرح مورد نظر دارند و بدین لحاظ ممکن است بطریقی از آن پشتیبانی کنند، اهمیت حیاتی دارد. خود محل اجرای طرح نیز ممکن است به واسطه فعالیتهایی که سازمانهای غیردولتی قبلاً در آن انجام داده‌اند، انتخاب شده باشد. وقتی ایفاد به اهمیتی که برای سازمانهای دولتی قابل است اشاره می‌کند، منظور تمامی این سازمانها نیست، بلکه فقط آنهايي است که واقعاً متعهد به خدمت تهیدستان روستایی هستند. سازمانهای غیردولتی را باید با توجه به جهت‌گیری ضد استضعافی آنها برگزید. این قبیل سازمانهای ضد استضعاف، بدون توجه به سایر ویژگیهای آنها از نظر اندازه، ترکیب نیروی انسانی یا بودجه مالی، بایستی از لحاظ سازمانی انعطاف‌پذیری لازم برای نوآوری را داشته باشند.

تجارب قبلی سازمانهای غیردولتی ضد فقر در ناحیه طرح می‌تواند ایده بسیار خوبی برای شناسایی ویژگیهای کلیدی طرح پروژه بدست دهد. کل تشکیلات غیردولتی ضد فقر حتی ممکن است مایل باشد، در صورت امکان به طرح بپیوندد. این

همکاری تنگاتنگ میان طرح و یک سازمان غیردولتی، مستلزم ارزیابی دقیق منافع و هزینه‌های دوطرف برای اجرای طرح است. به علاوه ثبات سازمانی طرح نیز باید با احتیاط فراوان مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

در بسیاری موارد، منابع خارجی با بالابردن سطح توقعات کارکنان سازمان غیردولتی از لحاظ دستمزد، ایمنی، تدارکات و غیره، نقشی منفی ایفا کرده‌اند. اگر پایداری اقتصادی طرح تضمین نشود. مانعی در اهتمام و تعهد آن پدید می‌آید که احتمالاً سد راه بازگشت به سطوح و شیوه‌های قبلی عملیات می‌شود و بدین ترتیب ثبات سازمانی را به مخاطره می‌اندازد. در هر حال، در اکثر موارد فقط وظایف خاصی به سازمانهای غیردولتی ضد فقر محول می‌شود تا در وضعیت فعلی یا آتی درون سازمان، هیچ‌گونه عدم توازن پدید نیاید.

پی نوشت ها :

- 1 _ International Fund for Agricultura Development (IFAD)
- 2 _ Participation
- 3 _ Field guide
- 4 _ random choice
- 5 _ Local authorities
- 6 _ informants
- 7 _ distributive
- 8 _ equity
- 9 _ identification mission
- 10 _ ethnic groups
- 11 _ input
- 12 _ Producer price
- 13 _ Social equity
- 14 _ Solidarity